



اربعین امام حسین(ع) و زیارت قبر آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری در سال 61 هجری قمری ...

اربعین امام حسین(ع) و زیارت قبر آن حضرت از سوی جابر بن عبدالله انصاری در سال 61 هجری قمری

بیستم صفر روز اربعین شهادت امام حسین(ع) و یارانش است. این روز، روز زیارت امام حسین(ع) است و برای آن، زیارت‌های ویژه‌ای از امامان معصوم(ع) نقل شده است. برای استفاده از این زیارت‌ها به کتب ادعیه، از جمله کتاب شریف مفاتیح‌الجنان شیخ‌عباس‌قمی رجوع نمایید.

در این روز جابر بن عبدالله انصاری وارد کربلا گردید و قبر مطهر امام حسین(ع) را زیارت کرد. او نخستین زایری بود که با معرفت، موفق به زیارت قبر آن حضرت گردید.

جابر بن عبدالله انصاری که در هنگام شهادت امام حسین(ع)، به احتمال زیاد در مدینه حضور داشت و از قیام و شهادت آن حضرت بی‌اطلاع بود، پس از آگاهی از جنایت سپاهیان یزید و شهادت امام حسین(ع) و یاران وفادارش در کربلا، عازم کوفه گردید تا از این رویداد بزرگ، به خوبی آگاه شود.

وی، پس از اطلاع کامل از نحوه شهادت و به دست آوردن نشانی محل شهادت امام حسین(ع)، عازم سرزمین کربلا گردید و نخستین کسی بود که توفیق زیارت قبر امام حسین(ع) را به دست آورد و پایه‌گذار سنت حسنه زیارت مرقد پیشوای شهیدان، حضرت امام حسین(ع) گردید.

در این جا ماجرای زیارت جابر را از کتاب بشارة‌المصطفی، به نقل از کتاب منتهی‌الآمال شیخ‌عباس‌قمی بیان می‌کنیم:

عطیة بن سعد بن جناده عوفی کوفی که از روایت امامیه است و اهل سنت در رجال، تصریح کرده‌اند به صدق او در حدیث، گفت: ما بیرون رفتیم با جابر بن عبدالله انصاری به جهت زیارت قبر حضرت حسین علیه‌السلام. پس زمانی که به کربلا وارد شدیم، جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد، پس جامه را لنگ خود کرد و جامه دیگر را بر دوش افکند. پس گشود بسته‌ای را که در آن سغد بود و به پاشید از آن بر بدن خود. پس به جانب قبر روان شد و گامی برنداشت مگر با ذکر خدا، تا نزدیک قبر رسید. مرا گفت تا دست مرا به قبر گذار. من دست وی را به قبر گذاشتم. چون دستش به قبر رسید بی‌هوش بر روی قبر افتاد. پس آبی بر وی پاشیدیم تا به هوش آمد و سه بار گفت: یا حسین! پس گفت: حَبِيبٌ لَا يُحِيبُ حَبِيبَةً؛ آیا دوست، جواب نمی‌دهد دوست خود را؟ پس گفت: کجا توانی جواب دهی و حال آن که در گذشته از جای خود رگ‌های گردن تو و آویخته شده بر پشت و شانه تو، و جدایی افتاده بین سر و تن تو. پس شهادت می‌دهم که تو می‌باشی فرزند خیرالبیین و پسر سید المؤمنین و فرزند هم‌سوگند تقوی و سلیل هدی و خامس اصحاب کساء و پسر سید النقباء و فرزند فاطمه سیده زن‌ها، و چگونه چنین نباشی و حال آن که پرورش داده تو را پنجه سید المرسلین و پروریده شدی در کنار متقین و شیر خوردی از پستان ایمان و بریده شدی از شیر با سلام و پاکیزه بودی در حیات و ممات. همانا دل‌های مؤمنین خوش نیست به جهت فراق تو و حال آن که شکی ندارد در نیکویی حال تو. پس بر تو باد سلام خدا و خشنودی او. و همانا شهادت می‌دهم که تو گذشتی بر آن چه گذشت بر آن برادر تو یحیی بن زکریا. پس جابر برگردانید چشم خود را بر دور قبر و شهدا را سلام کرد، بدین طریق:

السلامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا الْارْوَاحُ الَّتِی حَلَّتْ بِفِئَاءِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ اَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَ اَتَيْتُمْ الزَّكُوَّةَ وَ اَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتُمْ الْمُلْحِدِیْنَ وَ عَبَدْتُمْ اللّٰهَ حَتّٰی اَتَيْتُمْ الْیَقِیْنَ.

پس گفت: سوگند به آن که برانگیخت محمد(صلی الله علیه و آله) را به نبوت حقه که ما شرکت [شما را در آن چه داخل شدید در آن.

عطیه گفت: به جابر گفتم: چگونه ما با ایشان شرکت کردیم و حال آن که فرود نیامدیم ما وادی‌ای را، و بالا نرفتیم کوهی را و شمشیری نزدیم؟ و اما این گروه، پس جدایی افتاده مابین سر و بدنشان، و اولادشان یتیم و زنانشان بیوه گشته‌اند.

جابر گفت: ای عطیه! شنیدم از حبیب خود رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که می‌فرمود: هر که دوست دارد گروهی را، با ایشان محشور شود و هر که دوست داشته باشد عمل قومی را، شریک شود در عمل ایشان. پس قسم به خداوندی که محمد(صلی الله علیه و آله) را براستی برانگیخته که نیت من و اصحابم بر آن چیزی است که گذشته بر او حضرت حسین(علیه السلام) و یاورانش. 4.

به این ترتیب، جابر بن عبدالله انصاری نه تنها خود موفق به زیارت ابا عبدالله الحسین(ع) گردید، بلکه با رفتار و گفتار خود، زیارت امام حسین(ع) و سایر شهیدان کربلا را در میان دوستداران اهل بیت(ع) رواج داد.

درگذشت « آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری « در سال 133 هجری قمری

« آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری « از محققان و عالمان دین در قرن 14 هجری قمری در سال 133 هجری قمری بدرود حیات گفت. شیخ شوشتری در فقه و دیگر علوم دینی مهارت و دانش ذهنی بسیار داشت و همه عمر خود را صرف هدایت و ارشاد مردم و انجام دادن امور دینی کرد بطوریکه در مجالس وعظ او هزاران تن از علما و فضلا حضور می یافتند. وی اولین عالمی بود که در مسجد سپهسالار به نماز جماعت ایستاد. از شیخ شوشتری آثاری چون « اصول الدین، خصایص حسینیة و مجالس البلاء « باقی است.

تولد حضرت آیت الله العظمی شهاب الدین مرعشی نجفی در سال 1315 هجری قمری

حضرت آیت الله العظمی شهاب الدین مرعشی نجفی فقیه، اصولی، محدث رجالی و مورخ برجسته عصر حاضر در سال 1315 هجری قمری در نجف اشرف قدم به عرصه حیات گذاشت. نسب این عالم گرانقدر با 29 واسطه به حضرت امام سجاد(ع) می رسد. آیت الله مرعشی نجفی با صاحب نظران و بزرگان ادیان و مسیحیان را به دین مبین اسلام دعوت کرد که به گرویدن جمعی از آنان به این دین الهی منجر شد. « التجوید، جذب القلوب الی دیار المحبوب، حاشیه بر تفسیر بیضاوی و الهدایة فی شرح الکفایة از مهمترین آثار آیت الله مرعشی نجفی است. گفتنی است کتابخانه بجای مانده از ایشان نیز از زشمندترین مخازن علمی معاصر است که مورد استفاده شیفتگان علوم دینی قرار می گیرد.

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

مرحوم سید شهاب الدین مرعشی نجفی، در روز بیستم صفر سال 1315 هجری قمری در نجف اشرف در یک خانواده علم و تقوی متولد شد.

پدر ایشان مرحوم سید شمس الدین محمود حسینی مرعشی نجفی و جد ایشان مرحوم سید علی، معروف به سید الاطبا یا سید الحکما، می باشد که نسب شریفش با سی و سه واسطه به امام زین العابدین (علیه السلام) منتهی می گردد و والده ماجده ایشان، علویه صالحه فاضله، بنت مرحوم آقا سید ابوالقاسم خوئی، فرزند مرحوم سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیه الله سید حسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیه الله سید محمد حجت می باشد.

تحصیلات :

ایشان پس از طی مراحل مقدماتی و دروس سطح، نزد مرحوم والدشان، به خاطر هوش سرشار و عشق و علاقه وافری که به تحصیل علوم دینی داشته اند، به حوزه علمیه نجف اشرف رفته و از محضر بزرگان استفاده نمودند، علاوه بر این سایر علوم را نیز، مانند : علم حدیث، رجال، درایه، تراجم، انساب، تفسیر، کلام، عقاید، دیان، طب، تجوید و قرائت قرآن کریم، ادبیات، حساب، هندسه و سایر علوم ریاضی را از اعلام و مشاهیر آن زمان بهره وافر برده و بر بسیاری از علوم مذکوره تسلط کامل یافتند.

اساتید :

ایشان از محضر بسیار از بزرگان کسب علم نموده است که نام آنها عبارتند از :

1 - آقا ضیا الدین عراقی.

2 - شیخ عبد الکریم حائری.

3 - سید احمد بهبهانی.

4 - شیخ محمد حسین کاشف الغطا.

5 - علا مه میرزا آقا اصطهباناتی.

6 - والد معظمشان.

7 - شیخ محمد حسین شیرازی.

8 - میرزا باقر ایروانی نجفی.

9 - اسماعیل محلا تی نجفی.

10 - سید حسن صدر.

11 - آقا شیخ عبدالنبی نوری.

12 - آقا حسین نجم آبادی.

تدریس :

سال 1343 هجری قمری در قم شروع به تدریس سطح و خارج فقه و اصول نمودند، ایشان می فرمودند: (من به قدری برای تدریس مجهز بودم که هیچگاه خسته نمی شدم و هر گاه کسالتی یا مشکلی برای من پیش می آمد، نذر می کردم که اگر مشکل بر طرف شود، یک دوره مکاسب محرمه درس بدهم و این کار در موارد بسیاری پیش آمد و تکرار شد).

ایشان در طول بیش از 68 سال تدریس در حوزه علمیه قم با تلاش و کوشش بی وقفه و بر قراری روزانه بیش از هفت جلسه درس، شاگردان بسیاری را تربیت نموده که تدریس ایشان در حوزه علمیه نجف، تهران و قم، و تربیت هزاران شاگرد خداجوی که خود هر یک از زمره بزرگان اسلام بوده و می باشند، او را به عنوان یک شاخص فقاہت، در آفاق و اکناف جهان، مشار الیه بالبنان نموده بود.

شاگردان :

ایشان در طول تدریس در حوزه علمیه قم شاگردان بسیاری را تربیت نموده اند که از جمله شاگردان برجسته و مبرز ایشان، می توان :

1 - سید باقر طباطبائی سلطانی.

2 - شیخ مرتضی حائری یزدی.

3 - شهید مرتضی مطهری.

4 - شهید حاج شیخ حسین غفاری.

5 - شهید حاج سید محمد علی قاضی طباطبائی.

6 - شهید صدوقی یزدی.

نام برد و بسیاری دیگر از بزرگانی که از محضر ایشان تلمذ نموده اند.

تألیفات :

ایشان دارای تألیفات بسیار متعددی هستند که نمی توان همه آنها را در این مختصر گنجانند لذا از باب تبرک به چند نمونه از آنها اشاره می نمائیم.

1 - کتاب مشجرات آل رسول الله الاکرم (صل الله علیه وآله).

2 - کتاب المسلسلات فی ذکر الاجازات.

3 - کتاب طبقات النسابی.

4 - کتاب مزارات العلویین.

5 - کتاب الفوائد الرجالیه.

6 - کتاب اعیان المرعشیین.

7 - کتاب اللئالی المنتظمة و الدرر الثمینه.

8 - مستدرک کتاب شهدا الفضیلة.

9 - کتاب لمعة النورو الضیا.

10 - رساله سجع البلابل فی ترجمة صاحب الوسائل.

11 - رساله وسیلة المعاد فی مناقب شیخنا الاستاد.

12 - رساله لؤلؤة الصدف فی حیاة السید محمد الاشراف.

14 - رساله الفتحیه.

15 - رساله مطلع البدرین.

16 - رساله مفرج الكرب.

17 - رساله طریفه.

18 - رساله در شرح حال استاد خود.

19 - کتاب منیة الرجال فی شرح نخبة المقال.

20 - رساله در شرح حال شیخ عز الدین بن اثیر موصلی.

21 - کتاب سلوة الحزین و مونس الکئیب کشکولی.

22 - کتاب الشمعه فی مصطلحات اهل الصنعه.

23 - کتاب التجوید، مشتمل بر فواید مهم علم تجوید.

خصوصیات اخلاقی:

یکی از خصوصیات ایشان این بود که مطالعات زیادی داشتند و هر کتابی که به دستشان می رسید، همان شب اول می نشستند و تا نصف شب و گاهی تا سحر مطالعه می فرمودند سپس رؤوس مطالب یا احیانا مطلبی اگر به نظرشان می رسید، در حاشیه یاد داشت می کردند.

یکی دیگر از خصوصیات ایشان علاقه و عشق بی حد و حصر نسبت به کسب علم و دانش بود یک وقتی ایشان نقل می فرمودند: (زمانی که ما در نجف اشرف به تحصیل اشتغال داشتیم، گاهی می شد که ما تا 40 روز اصلا گوشت گیرمان نمی آمد که بخوریم، خوب آقا زاده هم بودیم و رویمان نمی شد برویم پیش اعلام و بزرگان آن وقت و دست دراز کنیم و گاهی آنقدر سرگرم درس بودیم که تا 24 ساعت گرسنه می ماندیم ولی اصلا توجه به این مسائل نداشتیم).

خصوصیت دیگری که داشتند، می فرمودند: (من از روز اولی که خودم را شناختم و روی پای خودم ایستادم، از البسه خارجی استفاده نکرده ام) و تا آخر عمرشان هم همینطور بودند.

خصوصیت دیگر ایشان، پایبندی ایشان به اقامه جماعت در حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) بود از همان زمان قدیم، نزدیک به 60 سال پیش ایشان مرتب سه وعده مشرف می شدند به حرم مطهر و در آنجا اقامه جماعت می فرمودند.

رفتار ایشان چه با اهل منزل و چه با دیگران بسیار صمیمی بود و ایشان اجازه می فرمودند که هر کس مشکلی دارد بیاید مطرح کند و ارائه طریق می فرمودند سینه ایشان به قول خودشان صندوق اسرار مردم بود ایشان در غم و شادی مردم شریک بودند و در مراسم مختلف و فیات و مجالس عقد و عروسی آنان شرکت می کردند و می فرمودند: (من به اکثر منازل قمی ها قدم گذاشته ام).

یکی دیگر از بارزترین خصوصیات اخلاقی ایشان، علاقه و اظهار ارادت و توسل و تضرع شدید نسبت به ائمه معصومین (علیه السلام) بود ایشان می فرمودند از روزی که خودم روی پای خودم ایستادم، هر گاه لباس نوی می دوختم، نخستین بار می بردم در حرملهای ائمه (علیهم السلام) و با مالیدن به ضریح، آن را متبرک نموده، بعد از آن استفاده می کردم.

خدمات:

ایشان از زمان قدیم که در قم اقامت گزیدند، همیشه در فکر احداث مدرسه، مسجد، حسینیه، کتابخانه و آثار و ابنیه خیریه بوده اند مثلا قبل از این که شهر قم دارای آب لوله کشی شود، مردم از طریق آب انبارها، آب مصرفی خود را تأمین می کردند لذا این آب انبارها نقش مهمی در زندگی مردم داشتند به همین لحاظ ایشان در آن زمان، بیش از صدها آب انبار چه به صورت مستقیم که خودشان بانی بودند و چه به صورت غیر مستقیم که دخالت داشتند، احداث نمودند، ایشان در ساخت مساجد و حسینیه های بسیاری چه در شهر قم و چه در شهرهای دیگر و حتی در کشورهای خارجی دخالت داشته اند مدارس علمیه مرعشیه، مهدیه، مؤمنیه، شهابیه و حسینیه جنب بیت و کتابخانه عمومی واقع در خیابان آذر قم از دیگر آثار احداث شده توسط ایشان است.

فعالیت:

معظم له در بیشتر اوقات فراغت، اشتغال به تألیف و تصنیف در علوم و فنون مختلف اسلامی داشته اند علاوه بر آن همه روزه در سه وعده صبح و عصر و شب در حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) اقامت جماعت می فرمودند و این کار را تا آخرین روز حیات مبارکشان ترك نشد و یکی دیگر از کارهای معمول ایشان، رسیدگی به امور مقلدین در داخل و خارج کشور بوده است برقراری ارتباط با علما و دانشمندان و نمایندگان خود در سایر بلاد و کشورها از اهم فعالیت های دیگر ایشان به شمار می رفته است.

مسافرت:

معظم له پس از کسب مدارج عالی و اشتغال به تدریس در حوزه علمیه نجف اشرف، در سال 1342 هجری قمری به قصد زیارت

ثامن الاثمه (عليه السلام) به ايران سفر می کند پس از تشریف به ارض اقدس و زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا (علیه السلام) به هنگام مراجعت در مجالس دید و باز دید در تهران ملاقاتی داشتند با علمای آن روز تهران از جمله مرحوم آقا شیخ عبدالنبی نوری و مرحوم آقا حسین نجم آبادی و سپس به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) عازم شهر مقدس قم می شوند. مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به طور جدی از ایشان می خواهند که در قم اقامت نموده و به تدریس در حوزه مشغول شوند ایشان می فرمایند من به قصد زیارت آمده ام و باید برگردم به نجف اشرف ولی مرحوم آقا شیخ عبدالکریم به ایشان تکلیف می کنند و لذا معظم له از همان سال 1343 هجری قمری در قم ساکن می گردند.

وفات :

سرانجام، پس از يك عمر سعی و کوشش در راه احیای شریعت نبوی (صل الله علیه وآله) و نگهداری از میراث گران سنگ فرهنگ غنی اسلامی، پس از حدود يك قرن تعلیم و تعلم و ارشاد و هدایت و تألیف، فقیه بزرگوار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، علامه نسابه، در هفتم ماه صفر سال 1411 هجری قمری، مطابق با هفتم شهریور 1369 هـ. ش، در سن 96 سالگی به لقا الهی شتافت و تشییع بسیار با شکوهی از جنازه او به عمل آمد، و طبق وصیت در قسمت ورودی کتابخانه، که سالها در گرد آوری کتاب های آن کوشیده بود، مدفون گردید

درگذشت دکتر احمد تفضلی ایران شناس و زبان شناس در سال 1375 هجری شمسی

دکتر احمد تفضلی ایران شناس و زبان شناس برجسته ایرانی در سال 1375 هجری شمسی دارفانی را وداع گفت. دکتر تفضلی از چهره های علمی و ممتاز ایران بود که در حوزه زبانهای ایران باستان و میانه بویژه فارسی پهلوی شهرتی جهانی داشت. دکتر تفضلی از اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود و در این مدت خدمات شایان توجهی به زبان و ادب فارسی کرد. تصحیح انتقادی گزیده های زادسپهر و ترجمه آن به زبان فرانسه از آثار ارزشمند دکتر تفضلی است که جایزه بین المللی کتاب سال را برای ایشان به ارمغان آورد.

درگذشت محمد قاضی از مشهورترین مترجمان ایران در سال 1376 هجری شمسی

محمد قاضی از بزرگترین و مشهورترین مترجمان ایران در سال 1376 هجری شمسی بدرود حیات گفت. استاد محمد قاضی از اهالی مهاباد بود و در تهران به تحصیل حقوق پرداخت. وی از معروفترین نویسندگان و مترجمان کشورمان بود که در دوران حیات خویش بیش از 90 جلد کتاب را به زبانهای فارسی، فرانسوی و کردی ترجمه کرد. نخستین اثری که استاد محمد قاضی ترجمه کرد #171؛ کلود ولگرد از ویکتور هوگوست «؛. از دیگر آثار استاد «؛ کتاب خاطرات یک مترجم «؛ را می توان نام برد که در آن سختی ها و مشکلات یک مترجم را بر شمرده است.